

بسمه تعالی

## دانشگاه نه فنی و نه حرفه ای



جواد سقای سعیدی

امروزه دانش بشری به سه گروه عمده قابل تفکیک است. **دانش نظری** که کوششی است برای **فهمیدن** جهان و **دانش عملی** یا **فن** که به ما امکان می دهد تا نرم افزارها و سخت افزارهای جدیدی عرضه کنیم و جهان را به تناسب نیازهای خود تغییر دهیم و چیزهای جدیدی به آن اضافه نماییم، یعنی دانشی برای دگرگون ساختن جهان و **دانش کاربردی** که ما را در بکارگیری هر آنچه از طریق دانش عملی به وجود آورده ایم، یاری می رساند.

به زعم بسیاری از اندیشمندان در جهان معاصر، پیشرفت و توسعه ملت ها به توانمندی و قابلیت آنها در دستیابی به فنون و دانش های عملی وابسته است. به واسطه برخورداری از همین دانش هاست که می توان محیط را تغییر داد و به امکانات و ابزارهای مورد نیاز برای رفع فقر، درمان درد یا تحصیل قدرت، امنیت و ثروت دست یافت. اما آنچه بیش از حد، اهمیت دانش های فنی و عملی را برای کشور ما ضروری می سازد ظرفیت انکار ناپذیر این دانش ها در **اشتغال زایی و کار آفرینی** است. چنانکه بدون دستیابی به این نوع دانش ها، دانشگاه ها رسالتی جز افزایش **فارغ التحصیلان بیکار** در کشور نخواهند داشت.

از پنجاه سال پیش به منظور توسعه فنون و دانش های عملی در کشور موسساتی با عنوان مرکز آموزش فنی، ذیل وزارت فرهنگ، شروع به کار نمودند. این رسالت با تفکیک وزارت آموزش و پرورش از وزارت آموزش عالی، بین آنها تقسیم شد. در آموزش و پرورش، انستیتوها به مدارس عالی و در وزارت علوم، بخشی از آموزش دانش عملی و فنی به دانشگاه های صنعتی و پلی تکنیک محول گردید.

اما رشد و **توسعه مستقل** صنایع مختلف کشور از دانشگاه ها، رفته رفته ضرورت دستیابی به دانش فنی را برای دانشگاه ها از بین برد و متأسفانه گسست بیش از حد دانشگاه ها از صنعت، موجب شد تا به تدریج دانشگاه های صنعتی کشور، به کانون ترویج دانش نظری تبدیل شوند. از طرفی موج مدرک گرایی و تقاضای بی حد و حصر برای دستیابی به مدارک تحصیلی بالاتر، و مهم تر از آن هزینه بسیار بالای تجهیز کارگاه ها، که رکن اصلی آموزش دانش های عملی و فنی به حساب می آمدند، بر سرعت تئوری گرایی این دانشگاه ها افزود.

اما در مدارس عالی وابسته به آموزش و پرورش، که بعد از انقلاب به آموزشکده های فنی و حرفه ای تبدیل شده بودند، مسئولیت انتقال دانش فنی و عملی به فراگیران تا حدودی دست نخورده باقی ماند. تا اینکه در اوایل دهه هفتاد با تغییر نظام آموزشی و تبدیل سال اول متوسطه به دوره عمومی و تغییر سال چهارم متوسطه به دوره

پیش دانشگاهی عملاً دوره تحصیلی هنرستان ها که کانون اصلی آموزش های عملی و فنی بودند از چهار سال به دو سال تقلیل یافت و متعاقب آن، صدمات جبران ناپذیری بر کیفیت آموزش های فنی و حرفه ای در آموزشکده ها نیز بر جا گذاشت. اما موج **استحاله** و نابودی دانش های عملی و فنی در آموزشکده ها از زمانی شدت گرفت که در سال ۱۳۹۰ آموزشکده های فنی و حرفه ای از آموزش و پرورش منفک و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تفویض گردیدند.

متأسفانه در پنج سال گذشته علیرغم تصویب تاسیس دانشگاه فنی و حرفه ای در مجلس شورای اسلامی شاهد بیشترین بی توجهی ها به اهداف و رسالت این دانشگاه بودیم.

قرار بود متناظر با رسالت این دانشگاه، یعنی احیا و اعتلای دانش های عملی و فنی در کشور، اهداف، ساختار سازمانی، محتواهای آموزشی، شیوه های تدریس و روش های ارزشیابی، تدوین و مورد بازنگری اساسی قرار گیرند. اما متأسفانه عدم ارتباط منطقی سازمان مرکزی دانشگاه فنی و حرفه ای با مراجع قانونگذاری، از قبیل شورای عالی عتف، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی، موجب گردیده است تا دانشگاه فنی و حرفه ای نتواند نظام آموزشی، درسی و اداری متناظر با رسالت و اهداف خود را تدوین نماید و به ناچار برای کسب اعتبار و مشروعیت آکادمیک و دانشگاهی، ناگزیر به **انطباق** و تبعیت از قوانین و آیین نامه های **دانشگاه های نظری** شده است.

به همین دلیل است که در طول پنج سال گذشته **رؤسای** دانشکده ها و آموزشکده های فنی و حرفه ای اکثراً از اعضای هیات علمی دانشگاه های نظری انتخاب می شوند. این افراد بدون اینکه کوچک ترین تعلق خاطری به دانش فنی یا آموزش های مهارتی داشته باشند اکثر برنامه ها، تصمیمات و مصوبات را در جهت تقویت آموزش های نظری و تطبیق مؤلفه های اساسی این دانشگاه با آیین نامه های دانشگاه های تئوری محور به پیش می برند. بی دلیل نیست که در چهار سال گذشته جذب بیشترین حق التدریس ها به جای صنعت و موسسات فنی و مهارتی، از فارغ التحصیلان دانشگاه های نظری بوده است که از کم ترین قابلیت برای انتقال دانش فنی و آموزش های عملی و کارگاهی برخوردارند.

تلاش برای همسویی با قوانین و مصوبات دانشگاه های نظری موجب شده است که در طی پنج سال گذشته در دانشکده ها و آموزشکده ها به **جای** به روز رسانی، توسعه و تجهیز کارگاه ها و آزمایشگاه ها، بیشترین هزینه های عمرانی صرف تجهیز کتابخانه ها، افزایش کلاس های تئوری، تاسیس سالن های جلسه و کنفرانس و راه اندازی سالن های سخنرانی گردد.

در طول پنج سال گذشته متأسفانه به دلیل **نبود نظام جامع نظارتی** از طرف حوزه های قانونگذاری، برنامه ریزی و بودجه ریزی، ساختار سازمانی متناسب با این دانشگاه طراحی و تصویب نشده است. در سازمان مرکزی دانشگاه و متعاقب آن در ۱۷۰ آموزشکده و دانشکده تابعه در سراسر کشور، در راستای انطباق با دانشگاه های

نظری، به جای معاونت فنی، معاونت آموزشی و به جای معاونت حرفه ای، معاونت پژوهشی مشغول به کار شده اند.

به دلیل نبود معاونت فنی در دانشگاه، تا به امروز **نظام برنامه ریزی درسی** متناسب با آموزش های فنی و حرفه ای طراحی و تدوین نشده است و متأسفانه از بدو انتقال آموزشکده ها به وزارت علوم، سرفصل های آموزشی دانشگاه علمی کاربردی به عنوان سرفصل آموزشی در دانشگاه فنی و حرفه ای تدریس می شوند. در سراسر جهان، نظام برنامه ریزی درسی دانشگاه ها یا مراکز آموزش عالی فنی و حرفه ای به جای اینکه **موضوع محور** باشد، **مهارت محور** است. یعنی برنامه های درسی به جای اینکه بر اساس سرفصل های آموزشی به اساتید ابلاغ شوند، بر اساس **استانداردهای مهارت ملی** یا **بین المللی** طراحی و تعبیه می شوند. چراکه در این نوع دانشگاه ها **باید** قابلیت و توانمندی های مهارتی دانشجویان در بکارگیری فنون مختلف و به کار بستن دانش عملی در ساخت یا تولید یک فرآورده ارتقاء یابد. به نحوی که بتوانند به صورت مستقل به ساخت یک محصول، یا ارائه یک خدمت مبادرت ورزند و خود را برای حضور در بازار کار، اشتغال و کارآفرینی آماده نمایند. اما با رسمیت دادن به سرفصل های آموزشی موجود، دانشجویان عملاً به **آشنایی** سطحی و گذرا با فنون و مهارت ها سوق داده شده اند.

در **انستیتوهای** سابق، نظام برنامه ریزی درسی مهارت محور، با اهتمام به توسعه فضای کار عملی و ارزشیابی از فنون و مهارت های کسب شده، توانسته بود جوانان تحت تعلیم خود را به افرادی **جسور**، توانمند و برخوردار از اطمینان به نفس لازم برای حضور موفق در بازار کار و برعهده گرفتن وظایف شغلی و حرفه ای آماده نماید. در حالی که در سال های اخیر، با استقرار نظام برنامه ریزی درسی موضوع محور و ارزش دادن به آموزش های نظری، موفقیت فارغ التحصیلان دانشگاه فنی و حرفه ای در راه یابی به مقاطع تحصیلی **فوق لیسانس و دکترا** به نقطه افتخار رؤسای آموزشکده ها و دانشکده ها تبدیل شده است.

در نبود معاون فنی و تحت تاثیر القای اهمیت دانش های نظری نسبت به دانش های عملی، تغییر کاربری فضاهای تحت اختیار و حتی کارگاه ها به سالن های **امتحانات کتبی**، به ضرورت اساسی آموزشکده ها و دانشکده ها تبدیل شده است. چراکه **سرنوشت تحصیلی** دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه ای به جای اینکه در کارگاه ها و آزمایشگاه ها تعیین شود، در پشت صندلی آزمون های نظری و بر روی **ورقه های** امتحانی رقم می خورد. گو اینکه با ورقه امتحانی بخواهیم مهارت شنا کردن را ارزیابی کنیم، یا بتوانیم با آزمون های نظری قابلیت یک تراشکار یا گچ بر را بسنجیم، و این همان نقطه حزن آلودی است که **عمق تخریب** و استحاله آموزشی را در این دانشگاه بازتاب می دهد.

در حال حاضر نود و نه درصد **دانشجویان انصرافی** و یا اخراجی به دلیل عدم احراز نمره قبولی در درس های نظری از این دانشگاه تسویه حساب می کنند و اکثر قریب به اتفاق دانشجویانی که موفق به اخذ مدرک

تحصیلی می شوند به دلیل عدم برخورداری از دانش فنی و بدون اینکه مهارت قابل قبولی را برای اشتغال یا کارآفرینی اندوخته باشند، ناگزیر از پیوستن به خیل فارغ التحصیلان بیکارند.

متأسفانه به دلیل ضعف حوزه های نظارتی در خصوص انطباق اهداف و رسالت دانشگاه فنی و حرفه ای با ساختار تشکیلاتی و برنامه های مصوب، تا به امروز در این دانشگاه ضرورتی بر تشکیل **معاونت حرفه ای** نیز احساس نشده است و به تبعیت از دانشگاه های نظری، معاونت پژوهشی جایگزین آن گردیده است، که به دلیل قرار نداشتن این دانشگاه در حوزه مطالعات **مرز دانش**، فعالیت های این معاونت به ناچار به مسیری **غیر** از پژوهش، به معنای واقعی، هدایت شده است. این درحالی است که، علیرغم توسعه روز افزون مشاغل و حرفه های متناظر با صنعت، معدن، تجارت، کشاورزی، خدمات و ورود فناوری های نوین به کشور تا به امروز **هیچ** یک از مراکز علمی وابسته به **وزارت علوم**، تحقیقات و فناوری به طور رسمی مسئولیت تدوین، تصویب و ارتقای **استاندارد دانش های فنی و مهارت های حرفه ای** را بر عهده نگرفته است. در کشورهای پیشرفته، موسسات آموزش عالی و دانشگاه های فنی و حرفه ای متولی این امر به حساب می آیند و با گسیل اساتید و مربیان خود به مراکز مختلف صنعتی، خدماتی، کشاورزی و ... به **جای** موظف نمودن آنها به حضور **چهل ساعته** در دانشکده و آموزشکده ها، ضمن شناسایی نیازهای صنایع مختلف به دانش های فنی و مهارت های حرفه ای، به **ارتباط و تعامل** سازنده و معنا دار با صنایع مختلف تولیدی و خدماتی دست می یابند.

با توجه به اهداف تاسیس دانشگاه فنی و حرفه ای ضرورت دارد **معاونت حرفه ای** در دانشگاه تشکیل و نسبت به تاسیس **مرکز** استاندارد سازی دانش های فنی و مهارت های حرفه ای اقدام نماید تا علاوه بر تصویب استاندارد دانش های فنی و مهارت های حرفه ای به طراحی و تنظیم **نظام ارزشیابی** از این نوع دانش ها و مهارت ها نیز مبادرت ورزد. متأسفانه در حال حاضر **کارنامه تحصیلی** دانشجویان فنی و حرفه ای فاقد اطلاعات لازم در خصوص **میزان دستیابی** آنان به دانش فنی و مهارت های حرفه ای است و بیشتر، وزن اطلاعات و دانش نظری تحصیل شده را بازتاب می دهد.

علاوه بر این **معاونت حرفه ای** باید متولی تدوین **نظام جامع ارتقاء و رتبه بندی** اساتید و مربیان فنی و حرفه ای نیز باشد و به جای اینکه مدرک تحصیلی اخذ شده از دانشگاه های نظری را ملاک ارتقاء و تبدیل وضعیت به هیات علمی قرار دهد، باید این معاونت با **برگزاری آزمون های ملی** و بین المللی به رتبه بندی و **ارتقای اساتید** دانشگاه فنی و حرفه ای مبادرت ورزد.

در نهایت تأسف، دانشگاهی که در آغاز راه، به نیت **احیای منزلت کار** و ارج نهادن به تلاش و همت **اساتید** و **مربیان** قامت برافراشت که قادر بودند دانش به حبس در آمده در ذهن ها را به دست های جوانان سرازیر سازند تا آنها را به نعمت کسب روزی حلال از دسترنج خویش ارتقا بخشند، در طول این چند سال این دانشگاه ثمری جز **تحقیر** برای همان اساتید و مربیان نداشته است. هدف از تاسیس دانشگاه فنی و حرفه ای این بود که مأمون امنی برای ارتقای دانش های فنی و مهارت های حرفه ای باشد و منزلت از یاد رفته اساتید و مربیان را که

به دلیل نبود دانشگاه های مهارت محور در کشور، از قافله ارتقای مدرک و درجه عقب مانده بودند، به یاد آورد و زحمات و تلاش های چندین ساله آنها را در آموزش فن و دمیدن روح عمل به جان دانش هایی که بدون مهارت در صندوقچه ذهن جوانان غبار می گیرند، بها و **عیاری** در خور بخشد، اما در کمال ناباوری در فراق مسئولانی که همره دل باشند و رفیق راه، این دانشگاه به اسباب حقارت و دلیل ندامت همان اساتید و مربیان تبدیل گشت و همه آرزوها را بر باد داد.

در دانشگاه فنی و حرفه ای باید اساتید نظری **دستیار** اساتید فنی در کارگاه ها باشند نه اینکه به واسطه برخورداری از مدارک تحصیلی نظری بالاتر، که از دانشگاه های مختلف نظری کسب کرده اند، چندین برابر اساتید فنی حقوق و مزایا دریافت کنند و به مربیان و اساتید فنی به عنوان افرادی فاقد صلاحیت علمی بنگرند. این از ثمرات تاسف بار حاکمیت نظام آموزشی موضوع محور در دانشگاهی است که برای احیای مهارت و تعلیم دانش های فنی تاسیس شده است.

در این دانشگاه ضمن تدوین نظام جامع ارتقای اساتید مبتنی بر توانمندی های فنی و مهارتی، مربیان و اساتید باید بتوانند از **مزایای ناشی** از توانمندی های مهارتی و فنی خود برخوردار شوند. به نحوی که در آن هر استادی از قابلیت برتری در **آموزش کار** و انتقال مهارت های فنی و حرفه ای برخوردار است از **بیشترین** حقوق و مزایا بهره مند گردد. نه اینکه هرکس اجازه داشته باشد به صرف اخذ مدرک تحصیلی بالا تر در دانش های نظری از تمامی اساتید فنی و مهارتی پیشی گیرد و از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار شود.

با این اوصاف، در حال حاضر این **دانشگاه نه فنی و نه حرفه ای** است. از دانشگاهی با این همه کاستی و **انحراف** از اهداف و رسالت های خود، هرگز **نمی توان** انتظار داشت که پنجه های کار آمد تربیت کند یا سهمی در توانمندسازی جوانان برای اشتغال زایی و یا کارآفرینی داشته باشد.

امید است **دولت یازدهم** با اذعان به ضعف های موجود، در سالی که مزین به **شعار تولید و اشتغال** است، بتواند ضمن به رسمیت شناختن **علم** مدیریت آموزشی علاوه بر تغییر اساسی در نظام **برنامه ریزی درسی** این دانشگاه، به تصویب قوانین و آئین نامه های متناظر مبادرت نموده و از این طریق به توصیه های مقام معظم رهبری در خصوص نیاز مبرم کشور به تربیت **پنجه های کار آمد** اهتمام ورزد.